

پاسخ به حمله علیه تاسیسات نفتی عربستان: چالشی برای سیاست‌گذاری آمریکا

به قلم سوزان مالونی (/fa/experts/swzan-malwny/), نورمن رول (/fa/experts/nwrnm-rwl/), مایکل سینگ (/fa/experts/maykl-/) (syng-0)

۱ اکتبر ۲۰۱۹

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/responding-saudi-oil-attack-challenge-us-policy
العربية (/ar/policy-analysis/alrd-ly-alhjwm-dd-alnft-alswdy-thdin-llyst-alamrykty/)

درباره نویسنده



سوزان مالونی (/fa/experts/swzan-malwny/)

سوزان مالونی، معاون موسسه بروکینگز و مدیر برنامه سیاست خارجی در این موسسه است



نورمن رول (/fa/experts/nwrnm-rwl/)



مایکل سینگ (/fa/experts/maykl-syng-0/)

مایکل سینگ هموند پژوهشی ارشد لین-سویگ (Lane-Swig) و مدیرعامل انستیتو واشنگتن است



تحلیل کوتاه

سه کارشناس مسائل سیاسی واکنش بالقوه واشنگتن به حمله علیه تاسیسات نفتی عربستان سعودی را بررسی می‌کنند و واکنشی که پیامدهای جدی خواهد داشت نه تنها در کشورهای حوزه خلیج (فارس) بلکه در هر جایی که آمریکا و متحدانش در مواجهه مستقیم با ایران و گروه‌های نیابتی‌اش باشند از عراق تا لبنان و غزه

در ۲۷ سپتامبر سوزان مالونی نورمن رول و مایکل سینگ در میزگردی از رشته نشست‌های مباحث سیاست‌گذاری به میزبانی انستیتو واشنگتن شرکت کردند. خانم مالونی معاون برنامه سیاست خارجی در موسسه بروکینگز است. آقای رول از کارکنان قدیمی سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا سی‌آی‌ای است و مشاور ارشد پروژه مقابله با افراطی‌گرایی و اتحاد علیه ایران هسته‌ای آقای سینگ هموند پژوهشی ارشد لین-سویگ و مدیر عامل انستیتو واشنگتن است. آنچه در پی می‌آید گزارش خلاصه‌ای است از اظهارات این تحلیلگران

سوزان مالونی

اقدامات ایران در چهار ماه گذشته نتیجه قابل پیش‌بینی سیاست فشار حداکثری دولت ترامپ است. هنگامی که پریزیدنت ترامپ در می ۲۰۱۸ از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) خارج شد بسیاری از ناظران پیش‌بینی می‌کردند که ایران واکنش شدیدی بروز دهد. در یک سال پس از اقدام آقای ترامپ حکومت ایران تصمیم گرفت که خوب‌شننداری نسبی پیشه کند. این رفتار نشان می‌داد که تهران می‌خواهد ببیند کارزار فشار حداکثری چگونه عمل خواهد کرد و واکنش اروپا به آن چه خواهد بود و این که آیا شرکت‌های تجاری از تحریم‌های یک‌جانبه پیروی خواهند کرد یا خیر.

تهران خیلی زود دریافت که سیاست فشار علی‌رغم حمایت نکردن متحدان آمریکا به شدت موثر است. این سیاست بر اقتصاد ایران تاثیر مستقیم گذاشت به طوری که شهروندان عادی ایران بیش از تحریم‌های اعمال‌شده قبلی تاثیر آنها را بر زندگی خود احساس کردند. با آن که تحریم‌های آمریکا خوراک و دارو را در بر نمی‌گیرد اما محدودیت‌های اقتصادی دسترسی به مواد غذایی و اقلام دارویی و درمانی را برای مردم ایران دشوار ساخت.

حاکمیت ایران با این نتیجه‌گیری که قادر به تحمل فشار حداکثری و بی‌حدوحصر نیست لازم دید که در برآورد دولت آمریکا تغییر ایجاد شود و برای رسیدن به این هدف در جامعه بزرگتر بین‌المللی حساسی از اضطرار ایجاد کرد. ایران برای انجام این کار تاکتیکی را دست‌مایه قرار داد که در گذشته خدمت زیادی به جمهوری اسلامی کرده بود: وقتی ضربه می‌خوردی ضربه محکم‌تری بزنی.

بالاگرفتن ماجرا به نفع تهران تمام شد. جامعه بین‌الملل در قبال تلاش‌های تهران برای کاهش مشکلات مالی کشور به جست‌وجوی راه حل پرداخت. طرف‌های اروپایی برجام هم‌زمان با توافق بر سر این که اقدامات ایران کاملاً غیرقابل‌قبول است اکنون با صدای بلند ایالات متحده را مسئول جبران وضعیت می‌دانند. آنان حتی به نوبه خود ژست گشاده‌دستی هم گرفتند. مثلاً به دنبال حملات اولیه علیه اهدافی در خلیج (فارس) فرانسه وعده خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری به تهران داد و صدراعظم آلمان طی دیدار با رئیس‌جمهور حسن روحانی به حاکمیت ایران اعتبار بخشید.

خواستار ایران تداوم دسترسی به نظام مالی بین‌المللی است و احتمالاً تا وقتی به این خواسته نرسیده به راه خود در تشدید تنش ادامه می‌دهد و در این روند مدام بازی خود را تغییر خواهد داد. این هفته به یک نفتکش حمله می‌کند و هفته بعد با نصب سانتریفیوژهای قوی‌تر مفاد برجام را نقض خواهد کرد و این داستان ادامه خواهد داشت. این تغییر تاکتیک‌ها واشنگتن را برای واکنش نشان دادن به زحمت می‌اندازد.

در حال حاضر ایالات متحده مشخصاً در اجرای هر آنچه که تاثیر بازدارنده بر رفتار ایران داشته باشد شکست خورده و این وضع به همین منوال خواهد بود مگر آن که واشنگتن تصمیم بگیرد هزینه اقدامات اخیر تهران را بر ایران تحمیل کند. استفاده از ابزارهای مالی در اعمال فشار به اقتصاد ایران بسیار موثر عمل کرده اما هنوز روشن نشده که تنگنای مالی قادر به تغییر برآورد رژیم هست یا نه. برای این کار واشنگتن باید از طریق یک چارچوب جامع دیپلماتیک تمهیداتی بیندیشد که چشم‌انداز دولت آمریکا را برای آینده سیاسی ایران ترسیم کند.

نورمن رول

پاسخ ایالات متحده و منطقه تاکنون سنجیده و نسبتاً قابل پیش‌بینی بوده است. عربستان سعودی امارات متحده عربی کویت و بحرین نیز مانند آمریکا از درگیری با ایران در حال حاضر سودی نمی‌برند چرا که هیچ‌یک از آنها قادر به پیش‌بینی آن چیزی نیست که پس از حمله تنبیهی به ایران پیش خواهد آمد.

دونالد ترامپ با ارائه تسلیحات دفاعی به متحدان ایالات متحده پرهیز از درگیری و تلاش برای گردآوردن شرکای مردم در ائتلافی واحد در واقع بر سیاست‌های باراک اوباما و جرج بوش روسای جمهور سابق آمریکا صحنه گذاشته است. اروپا با آن که از بسیاری جهات شریکی مهم برای آمریکا به شمار می‌رود اما در همه موارد هم شریک مناسب محسوب نمی‌شود. اروپا نه می‌تواند تحریم‌های آمریکا را متوقف کند و نه اقداماتش را و کماکان همان آواز یکنواخت سابق را می‌خواند: بازگشت به برجام. میزان توانایی اروپا در اعمال فشار بر ایران در واقع تا آنجا پیش می‌رود که با علاقه‌اش به شروع دوباره برجام و حل مشکلات مالی ایرانیان برخورد نکند.

هرچند اغلب متحدان با واکنش خاموش واشنگتن مشکلی ندارند با این حال بالاگرفتن تنش برای‌شان نگران‌کننده است. بدون شک هستند کسانی که از خودداری آمریکا از حمله به ایران ناامید شده‌اند اما این‌ها کسانی نیستند که مجبور به کنار آمدن با عواقب چنین حمله‌ای باشند.

از این رو بازیگران منطقه‌ای رویکردی حساب‌شده و محتاطانه در پیش گرفته‌اند حتی خود ایران. رژیم ایران که با وضعیت به شدت شکننده داخلی و خطر بحران جانشینی رهبری مواجه است علی‌رغم رویکرد تحریک‌کننده‌اش به دنبال رویارویی نیست. بنابراین شانس

حمله به ایران و وقوع جنگی تمام‌عیار بسیار بعید است هرچند ممکن است وقایع هشداردهنده‌ای خلاف این را ثابت کند.
تهران همچنین می‌داند که ایالات متحده نمی‌تواند در آن واحد از تمامی نقاط آسیب‌پذیر خود دفاع کند. بر این اساس ممکن است که رژیم یا گروه‌های نیابتی‌اش دست به حملات کوتاه و کوبنده بزنند. با این هدف که بهای نفت و کالاها را بالا برند و از این راه بازیگران بین‌المللی را وادارند که به دولت ترامپ برای کاهش تحریم‌های آمریکا فشار آورند.

با وجود تمام انتقادات دولت ترامپ در اعمال سیاست خود عمدتاً استوار عمل کرده است. برای نمونه: سر باز زدن از لغو تحریم‌ها تا وقتی که تهران رفتار خود را تغییر دهد. بزرگترین چالش بر سر راه این سیاست فقدان رویکرد توافق دوحیزی در قبال ایران است. دولت آمریکا همچنین در مورد میزان حمایت آمریکا از عربستان سعودی با عدم توافق بی‌سابقه‌ای مواجه است. همزمان برخی انگیزه‌های سنتی در حوزه سیاست‌گذاری آمریکا در خاورمیانه تغییر کرده و عواملی فراتر از نیاز به انرژی مورد توجه قرار گرفته است.

بزرگترین قربانی وضعیت فعلی نیروی بازدارندگی آمریکا است. تردیدی نیست که ایران مسئول فهرست بالابندی از خشونت‌های بین‌المللی است. اما همگان شاهد بوده‌اند که رژیم بدون پرداخت هزینه‌ای به راه خود ادامه داده است. بازیگران یاغی دیگر در جهان بدون شک از این وضع سرمشق می‌گیرند.

اگر مذاکره با ایران واقعاً عملی شود سیاست‌گذاران ایالات متحده باید در نظر داشته باشند که هر آنچه که از آن کوتاه بیایند در نهایت به ضرر مردمانی خواهد شد که در آن منطقه زندگی می‌کنند. آنگاه مهمترین پرسش این خواهد بود: ایران حاضر است از چه چیزی کوتاه بیاید.

مایکل سینگ

ایران برای انجام حملاتی چنین چشمگیر علیه عربستان سعودی دلایل متعدد دارد. اولین دلیل بهای نفت است. چرا که صادرات نفت ایران بر اثر تحریم‌ها کاهش یافته و هرگونه افزایش بهای جهانی نفت در نهایت به نفع رژیم است. اما ایران برای آن که تاثیر بادوامی بر افزایش بهای نفت بگذارد احتمالاً باید دست به انجام شماری حملات پیاپی بزند و این اتفاق تاکنون نیفتاده است.

دوم این که تهران همواره گفته اگر ایران نتواند نفت خود را صادر کند همسایگانش نیز نباید چنین امکانی داشته باشند. بنابراین حملات راهی هستند برای اجرای این تهدید. به‌ویژه رژیم تهران به دنبال این است که عربستان سعودی بابت کمک به ایالات متحده در محدود کردن صادرات نفت ایران هزینه بدهد.

دلیل سوم این است که ایران تلاش می‌کند آمریکا را از متحدانش جدا کند و در نهایت آن را به طور کامل از منطقه بیرون براند. طی تلاش‌های اخیر تهران در جهت افزایش تنش مقامات آمریکایی تا حد زیادی این واقعیت را نادیده گرفتند که ایالات متحده کماکان در خلیج (فارس) دارای منافع حیاتی است. برخی حتی تلویحاً این پرسش را مطرح کرده‌اند که چرا آمریکا باید از عربستان سعودی دفاع کند. پرسش‌هایی از این قبیل از سوی هر دو حزب سیاسی آمریکا مردم این کشور و حتی متحدان عمده ایالات متحده مطرح می‌شود و این شاید هدیه بارزش‌تری به ایران باشد.

چهارم این که رژیم ایران به دنبال تغییر قوانین بازی به نفع خود از طریق افزایش تنش هسته‌ای است. تهران به‌خوبی می‌داند که تحریم‌ها همواره موثر نیست و اگر هم بخواهد موثر باشد زمان می‌برد. همانطور که در مسیر رسیدن به برجام دیده شد جامعه بین‌الملل به‌مراتب بیش از آن که فرضاً نگران حمایت تهران از تروریسم باشد نگران برنامه هسته‌ای ایران است و از همین رو بحران هسته‌ای قابلیت این را دارد که به‌سرعت به وخامت گراید. رژیم تلاش می‌کند تا برای به دست گرفتن کنترل جدول زمانی (رسیدن به توانمندی هسته‌ای) در جبهه‌های دیگر نیز تنش بیافریند. حتی وقتی که سرگرم آزمون و ارزیابی شکستن مرزهای برجام

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/moving-the-goal-posts-irans-uranium-enrichment->

(program) است.

دلیل پنجم این است که ایران در مقایسه با ایالات متحده در دست‌کم یک دهه اخیر در خاورمیانه دامنه ریسک‌پذیری وسیع‌تر و تعهد بیشتری در شکل دادن به مناسبات منطقه‌ای داشته است. از همین رو به نظر می‌رسد که ایران معتقد است که فشار علیه مواضع و منافع آمریکا در خلیج (فارس) عراق و جاهای دیگر استراتژی موفق‌تری است.

در ادامه راه ایران بدون شک همین رفتار را ادامه خواهد داد: دست زدن به یک نوع خاص از حمله انتظار برای واکنش آمریکا در جواب به همان نوع تهدید و سپس تلاش برای غافلگیر کردن واشنگتن از طریق حمله به هدفی کاملاً متفاوت و با روشی کاملاً متفاوت. ایالات متحده باید به این رویکرد توجه کند و از حالت واکنشی صرف (در مقابل ایران) خارج شود تا بتواند تهران را وادارد در قبال اقدامات آمریکا واکنش نشان دهد. این به معنی گسترش کارزار فشار حداکثری از دامنه بسیار محدود تحریم‌ها به زمینه‌های دیگر از جمله اقدام نظامی

مخفی (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/operating-in-the-gray-zone-to-counter-iran>) و فشار دیپلماتیک (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/bringing-diplomacy-back-to-the-pressure-campaign-against-iran>) است. گزینه ایران برای هر حمله و میزان تکرار آن حملات مستلزم بازداری (از طرف آمریکا) است و واشنگتن باید به فعالیتهای مقابله‌جویانه ایران با پاسخهای مقابله‌جویانه واکنش نشان دهد.

* خلاصه اظهارات شرکت‌کنندگان در میزگرد را دنیز یوکسل تهیه کرده است. رشته نشست‌های مباحث سیاست‌گذاری با پشتیبانی مالی خانواده فلورنس و رابرت کافمن میسر شده است.



RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

Bennett's Bahrain Visit Further Invigorates Israel-Gulf Diplomacy

فوریه ۲۰۲۲

Simon Henderson

(/policy-analysis/bennetts-bahrain-visit-further-invigorates-israel-gulf-diplomacy)



BRIEF ANALYSIS

Libya's Renewed Legitimacy Crisis

فوریه ۲۰۲۲

Ben Fishman

(/policy-analysis/libyas-renewed-legitimacy-crisis)



The UAE Formally Ceases to be a Tax-Free Haven

فوریه ۲۰۲۲



Sana Quadri ,
Hamdullah Baycar

(/policy-analysis/uae-formally-ceases-be-tax-free-haven)

TOPICS

[انرژی و اقتصاد \(/policy-analysis/anrzh-y-w-aqtsad/\)](#)

[خلیج و سیاست حوزه انرژی \(/policy-analysis/khlyj-w-syast-hwzh-anrzh-y/\)](#)

[سیاست آمریکا \(/policy-analysis/syast-amryka/\)](#)

[نظامی و امنیتی \(/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/\)](#)

REGIONS & COUNTRIES

[کشورهای حاشیه‌خلیج فارس \(/policy-analysis/kshwrhay-hashykhlyj-fars/\)](#)

[ایران \(/policy-analysis/ayran/\)](#)